

اقتصاد



پشیمانی زلنسکی از اعتماد به وعده‌های پوشالی ناتو

صفحه ۷

از اشتباهی در ۵۰ سال پیش تا قطع و سوزاندن درخت‌ها

سرنوشت تلخ درختان چیتگر

۸

چرا اقتصاددانان بر سر نابرابری در جنگ هستند؟

افزایش شکاف‌های درآمدی

۵

۴۶ درصد از یارانه پرداختی در انرژی جهان متعلق به ایران است

رشد ۱۳.۵ درصدی مصرف بنزین

۴

کدام متهم گلولی تهران را می‌فشارد؟

مازوت، بنزین یا

خودروی فرسوده؟

هواي تهران در هفته‌اي که گذشت ناسالم بود، مدرسه‌ها تعطيل شدند و حتی دورکاری در ادارها اجرا شد، این درحالیست دستگاه‌های متولی حمل و نقل و صنعت همچنان تقصیر را برگردن یکدیگر می‌اندازند.

پاییز و زمستان اوج آلودگی هوا به خصوص برای کلان شهرها است. این شرایط موجب شده است تا نهادها و سازمان‌ها یکدیگر را مقصر بدانند، اگرچه سال‌های گذشته بعضی دلیل این امر را استفاده از بنزین نا مناسب می‌دانستند اما ابتدای آذر امسال، جعفر سالاری نسب، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در رابطه با این موضوع گفت: بنزین و گازوئیل توزیع شده در تهران همه با استاندارد یورو ۴ است و عدد اکتان بنزین تهران ۹۲ است، حتی گازوئیل مورد استفاده در نیروگاه‌های تهران نیز استاندارد یورو و میزان گوگرد آن کمتر از ۱۰ ppm است.

حمیدرضا سهرابی، کارشناس انرژی و عضو هیات مدیره انجمن صنفي CNG هم در این زمینه گفته بود، آلاینده‌گی هوا و منابع آلاینده در تمامی فصول وجود دارد، اما در فصول سرد با تغییرات جوی و بحث وارونگی هوا شاهد تشدید آلودگی هوا در کلانشهرها هستیم. در ایران نیز موضوع آلاینده‌گی کلانشهرها بحران جدی در دو دهه اخیر بوده و سال به سال هم تشدید می‌شود. ضمن آنکه منابع آلاینده شامل صنایع، نیروگاه‌ها، مصارف خانگی و حمل و نقل است اما سهم هر بخش در آلاینده‌گی هوا، سهمی متفاوت است.

شرح در صفحه ۳

سخت نخست

دبه به دست کنار جاده فوتبال در انتظار بنزین!

حال و روز فوتبال ایران خوب نیست؛ خودمان را گول نزنیم. شکست سپاهان مقابل الاتحاد یا شکست نساجی مقابل الهلال. از شکست پرسپولیس مقابل النصر در چند ماه قبل هم نگذریم. حالا ممکن است جرقه‌ای یخورد و با تهییج و در بوق و کرنا کردن واژه «فیرت» یک بازی با پیروزی نمایندگان ایران به پایان برسد اما انتهایش چه می‌شود؟ داریم خودمان را گول می‌زنیم. داریم با اسامی‌ای مثل رونالدو، بنزما و نیمار بازی می‌کنیم.

ادامه در صفحه ۲



مرتضی رضایی



پس از بازگشت از سفر یک روزه به روسیه

رئیس‌ی محور مذاکرات با روسیه را تشریح کرد

صفحه ۴

یادداشت

بخش دیگر ماجرا سیاست خالص سازی است. خالص سازی نه تنها در روزگار ما امری است ناممکن که وقتی با ظاهر سازی درهم آمیخته می‌شود کلاف پیچیده‌ای می‌شود که هیچ کس را یارای گشودن آن نیست مگر خضر مبارک پی درآید.

از دوران دولت آقای هاشمی رفسنجانی تا به امروز به شهادت آمار و ارقام های رسمی نظام جمهوری اسلامی در تنها دوره ای که اختلاس رخ نداده و یا اگر هم رخ داده آن قدر قابل نبوده که در خاطر فردی و جمعی ما به یادگار بماند در دوره دولت آقای سید محمد خاتمی بوده. آیا این به شخص آقای خاتمی برمی‌گشت یا به سیاست های خاص دولت او؟ قطعا در سرزمینی که فرد اهمیت بیشتری از سیستم دارد ویژگی های شخصی تعیین کننده است اما چیزی که در این میان اغلب ویژگی های شخصی تعیین کننده است اما چیزی که در این میان اغلب ناپدید گرفته می‌شود همان عدم یکدستی در نهادهای موجود کشور بود که فساد اقتصادی را در دولت آقای خاتمی به حداقل رساند. از قوه قضائیه و صدا و سیما و خیلی دیگر از نهادهای رسمی و غیررسمی در کمین بودند تا خاتمی و دولتش دست از پا خطا کنند تا آن‌ها را در چشم بهم زدن ببلعند. همین مراقبت-حالا به انگیزه های این میزان از مراقبت کاری نداریم. باعث شد تا دولت آقای خاتمی بهترین عملکرد را در این زمینه داشته باشد.

سیاست خالص سازی اگرچه به بهانه به خط شدن همه نیروهای مملکت برای پیشبرد سازندگی و پیشرفت و از سر راه برداشته شدن مزاحمان است اما به همین فجايعی ختم می‌شود که ملاحظه می‌فرمایید تازه این هنوز از نتایج سحر است و بگذارد تا صبح دولت خالص سازان بدمد تا ببینید چه‌ها بر این سرزمین خواهد رفت. خالص سازان شاید گمان کنند در غیاب آن چشم های مراقب و نظارتی کارشان بهتر و سریع‌تر پیش خواهد رفت. تجربه نشان داده که نخواهد رفت و اتفاقا آن مراقبت هر وقت بیشتر بود نتیجه بهتری داده. علاوه بر آن، در دوران خالص سازی اگرچه به ظاهر مراقبتی در کار نخواهد بود اما چون متر و معیار خالص سازی، کاربلدی و وطن دوستی نیست و هم چنان امور بر مدار ظاهر می‌گردد مشکلاتمان مضاعف خواهد شد. در اندک زمانی مملکت پُر می‌شود از آدم‌های بی‌اعتقاد و ناکارآمدی که هیچ تعلق خاطری به این آب و خاک ندارند و برای رسیدن به مقاصد و اغراض فردی و جناحی دست به هر کاری می‌زنند. اندک اندک مسابقه‌ای در می‌گیرد بین آدم‌های بی‌رگ و ریشه‌ای که هر یک خود را از دیگری محق تر می‌داند برای رسیدن به مقام و پول بیشتر. و چرا که نهاند؟ وقتی معیار ظاهر سازی باشد و میزان ریش بلند تر و علیک سلام را غلیظ تر از دیگری ادا کردن، چرا باید آن که ریشش کوتاه تر است و مید و لالافشاین را هم خوب نمی‌تواند بکشد، بشود رئیس اداره و دیگری بشود راننده اش؟ رئیس چه فضیلتی دارد که راننده ندارد؟ و این جور می‌شود که اتفاقا مراقبت نه تنها کم نمی‌شود که بیشتر هم می‌شود منتهمی این دیگر اسمش مراقبت نیست. مراقبت در یک جامعه سالم حساب و کتاب دارد. این اسمش زیرآب زنی و مچ گیری و نان بری و حذف رقیب است. در چنین فضای ناسالمی دیگر کسی به فکر پیشرفت مملکت نیست. هرکسی در پی اثبات فضیلت خویش است و گناهکار جلوه دادن دیگری. در چنین فضای مسمومی که هرچه به انتخابات نزدیک تر می‌شویم بیشتر آن را درک خواهیم کرد، کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند و چون نیک بنگری همه تزویر می‌کند.

در چنین فضایی حتی افکار عمومی از مبارزه با فساد استقبال نخواهد کرد بلکه از آن استیپاد دیگری خواهد داشت. در بهترین حالت اگر نه آن را یک شوی تبلیغاتی که افشاگری و گروه‌کشی سیاسی فرض خواهد کرد برای به دست آوردن قدرت بیشتر.

متهمان اصلی اختلاس نجومی را بشناسید



سید عبدالجواد موسوی

این داستان اختلاس ها و ارقامی که هوش از سر هر آدمی می‌ریاید سر باز ایستادن ندارد. با بگیر و ببند و بز و بکوب و اعدام هم حل نمی‌شود. باید ریشه را خشکاند. خشکاندن ریشه فساد هم با شعار صورت نمی‌گیرد. با سیاسی کاری هم. بدترین نوع مواجهه با چنین پدیده‌ای سیاسی کاری است. نسبت دادن اختلاسی آن‌هم در این مقیاس به این دولت و آن دولت حرمه بازی است و حرمه‌ها به فکر هرچه باشند به فکر مردم و این مرز و بوم نیستند. این که با استناد به انتشار یادداشتی از مدیر جای دیش در (دنیای اقتصاد) این فاجعه را به اصلاح طلبان نسبت دهیم و یا چون این کثافت کاری و روی کار آمدن دولت سیزدهم همزمان بوده آن‌را به شخص رئیس جمهور وقت، آدرس غلط دادن است. یک بار کارنامه همه اختلاس کنندگان نامی این سرزمین را بررسی کنیم و ببینیم لاقال از حیث ظاهر چه مشخصاتی داشته‌اند. از مرتضی رفیق دوست تا جناب خاوری و همین باقیه آخری که رکورد همه اختلاس گران مخلص و فداکار را جا بجا کرده. نمی‌گویم نتیجه به دست آمده را تعمیم بدهیم به همه آن‌هایی که چنین ظاهری دارند اما دست کم گول این ظواهر را کمتر بخوریم و فردا اگر کسی با همان ظواهر نردبان ترقی را یک شبه طی کرد اندکی در کار و بارش تأمل کنیم. اگر فردا کسی پیدا شد و در صف اول راهبیمایی روز قدس چقیه به گردن ظاهر شد نصف مملکت را به نامش سند نزنیم. اصلا ببینیم از کجا آمده. اطرافیانش چه کسانی هستند. علاوه بر چقیه و ریش و انگشتر و شعران دادن دیگر چه هنری دارد؟ چیزی از حوزه تخصصی‌ای که در آن فعالیت می‌کند می‌داند یا صرفا بلد است ولالاف‌های را چگونه تلفظ کند؟

چطور برای اعطای وام پنج میلیون تومانی به یک آدم معمولی و بی کس و کار، اول تا آخرش را جلوی چشمش می‌آوریم و شجره نامه اش را چک می‌کنیم و اسنوری های صفحه اینستاگرامش را هم زیر و زیرتا، مبدا خدای ناکرده آن پنج میلیون تومان به ناحق در اختیار یک آدم نامربوط قرار گیرد اما برای چنین ارقامی که رسماً می‌توان یک کشور را با آن اداره کرد به این راحتی فرمان صادر می‌کنیم؟ به چه اعتباری؟ حتماً یک جای کار ایراد دارد. ایراد اساسی هم دارد. وقتی بعد از چهل و پنج سال هنوز معیارمان برای ارزیابی آدم‌ها نه توانایی و استعداد و سخت کوشی و شرافت که دین فروشی و ظاهر سازی و سیاسی کاری و دکمه پیراهن را تا به آخر بستن و پیراهن زهد را روی شلوار تقوا انداختن باشد معلوم است که کار به همین جاهایی می‌کشد که ملاحظه می‌فرمایید. اگر یک نفر از این‌هایی که تا به حال اختلاس های نجومی کرده کراواتی بود و پی اعتنا به ظواهر شریعت می‌توانستید بگویید آتش به این شوری‌هایی هم که تو می‌گویی نیست. اما هست. به حضرت عباس به همین شوری است و بلکه شورتور از آن چه من می‌گویم.

تمام کسانی که توانستند این سال‌ها پول‌های کلان این چنینی به جیب بزنند از آن نوجوان قاتلانی که کلاه خیلی‌ها را به اسم ترویج ارزش های انقلابی و اسلامی برداشت تا همین الدنگ‌هایی که نصف پول مملکت را به اسم تولید و کار آفرینی و صادرات و واردات و کوفت و زهرمار، بار زدن و بردن همه و همه یک شکل بودند. با یک ادبیات، یک تیپ و قیافه، یک سبک زندگی، خب، مگر نمی‌گویید مومن از یک سوراخ دیوار گزیده نمی‌شود؟ شما که از این سوراخ چهل و پنج سال است دارد گزیده می‌شوید چه نام دارید؟ فقط هم در مسائل اقتصادی از این سوراخ گزیده نمی‌شوید. در فرهنگ

طنز

ما را حلال کنید



داود میهوت

حقیقتاً می‌دانیم نوشتن درباره افزایش قیمت اجناس و نق زدن بر سر مسئولان درباره تورم موجود در بازار ممکن است تکدر خاطر مبارک این بزرگواران را فراهم آورده و پریشانی خاطر روز و اشتفتگی خواب شبشان را در پی داشته باشد.

اما چه کنیم که پیرو قاعده فقهی "تصیحه لائمة المسلمين" اگر فرصتی کم هم برای شهروندان در نظر گرفته شود باید من باب مولفه واجب" امر به معروف" اطلاعی هرچند کوچک، به عرض آنور ایشان رسانده شود که بزرگواران دغدغه مند، مستحضر باشید که نرخ بعضی از اقلام و مایحتاج ضروری زندگی روز مره ما برای ادامه حیات و دوری از ملمات، به خصوص در حوزه خوراکی‌ها دفتعا و به شکل زیر پوستی در حال افزایش مستمر است؛ مثلاً: تخم مرغ، مرغ و تن ماهی و ... با این شرح حال، اگر لطف کرده و انشالله همانند آدوار قبل از آن دستورهایی غصبتاک قیمت شکن صادر فرمایید تا در صورت تحقق نرخ‌ها کاهش یابند، احتمالاً در زندگی ما افتشار ضعیفی جامعه نیز گشایشی حاصل شده و توان خریدمان حفظ خواهد شد.

عزیزان، ما و همکاران رسانه‌ای ما را حلال کنید که گاهاً فضولی کرده و مصدق اوقات شریفتان می‌شویم. برای ختم کلام هم تقالی زدیم به اشعار فرج میرزا شاعر اسلامشهری و چند بیتتی را درباب وضعیت گل و بلبل اقتصاد برای خنده مسئولان تقدیم می‌کنیم ؛ ارزانی محض است مخور غصه‌ی بیجا چون بسته لب‌ت را به گل خنده بکن و ناراحتی ات چیست در این روز دل انگیز غم خوردن بیپوهه ندارد ثمری هالا! دیگر نه از آن غول تورم خبری هست نه اینکه دگر قیمت کالا زده بالا باور نکن امروز اگر قیمت اجناس با یک نوسان کرده جهش تا به ثریا از حسن مدیریت و با پنجه‌ی تدبیر اوضاع معیشت شده آسان همه بر ما از بار گرانی فقراتم نشکسته ازان شده ارازا، فراوان و مهتبا یا رب به خلوص دل مردان سیاست بر شادی این مردم بشاش بیفرا

نوبت اول

فراخوان برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

موضوع مناقصه: خرید سیم مسی سببستم زمین کلید خانه ۱۳۲ کیلو ولت مریچه

شماره مناقصه: ۰۲/۲۰۱۲۰۷۲۲/م

شماره آگهی: ۱۶۱۷۲۹۷

شرح در صفحه آخر